



طبیعت و امر قدسی در شعر سهراب سپهری: امکان‌هایی برای رابطه پایدار انسان ایرانی و محیط‌زیست

عبدالرسول شاکری^۱، مجید رضانی مهریان^۲

چکیده

فعالیت‌های بشر، به‌ویژه از نیمه دوم سده هجدهم، تأثیرات بسیار مخربی بر زمین گذاشته است. افزایش غلظت دی‌اکسید کربن در جو زمین، خشک‌شدن بسیاری از تالاب‌ها و رودخانه‌ها و انقراض بسیاری از گونه‌های حیات وحش، از نتایج روندی است که اگر ادامه یابد، نتیجه‌ای جز نابودی کامل زیست‌کره نخواهد داشت. وضعیت محیط‌زیستی در ایران نیز مناسب نیست و در این زمینه با مسائل متعددی روبه‌رو هستیم: آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی، خشک‌شدن تالاب‌ها، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها، فروافت منابع آب زیرزمینی، آلودگی هوا، کاهش تنوع زیستی، افزایش شدت وقوع سیل و خشکسالی، فرونشست زمین، فرسایش خاک و کاهش وسعت جنگل‌ها. در پاسخ به وضعیت کنونی کشور در زمینه مسائل و بحران‌های محیط‌زیستی، می‌توان از فرهنگ غنی شعر و ادبیات فارسی در جهت شناخت بیشتر مردم از وضعیت محیط‌زیست، افزایش حساسیت‌های محیط‌زیستی، تقویت فرهنگ حفاظت از محیط‌زیست و بهبود اخلاق محیط‌زیستی گام برداشت. این امر در آغاز از طریق شناسایی بن‌مایه‌های بوم‌گرایی در شعر و ادبیات ایرانی و سپس تقویت و ترویج آن در ادبیات معاصر امکان‌پذیر است. بر این اساس، در این مقاله، ضمن تشریح مبانی نظری ادبیات و شعر محیط‌زیستی و نقد بوم‌گرا و اهمیت آن در شرایط کنونی کشور، با اشاره به ارتباط میان طبیعت و امر مقدس در شعر سهراب سپهری، امکان‌های بهره‌مندی از شعرهای او و همچنین شعر فارسی، در جهت تأثیر بر مخاطبان در حیطه محیط‌زیست مطرح شده است.

واژه‌های کلیدی: محیط‌زیست، ادبیات محیط‌زیستی، شعر محیط‌زیستی، امر مقدس، سهراب سپهری

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
shakeri@samt.ac.ir
۲. استادیار مطالعات محیطی، گروه مطالعات محیطی، پژوهشکده تحقیق و توسعه علوم انسانی (سمت)، تهران، ایران
mehrian@samt.ac.ir

ارجاع به این مقاله:
عبدالرسول شاکری، مجید رضانی مهریان، "طبیعت و امر قدسی در شعر سهراب سپهری: امکان‌هایی برای رابطه پایدار انسان ایرانی و محیط‌زیست"، مطالعات بین‌رشته‌ای ادبیات، هنر و علوم انسانی، ۱۰، ۱۴۰۴، صص ۲۱۲-۱۹۵.
doi: 10.22077/islah.2025.8750.1582



۱. مقدمه

در مقیاس جهانی، در دوره ۱۷۵۰ تا ۲۰۲۰، غلظت دی‌اکسید کربن موجود در جو زمین از حدود ۵۰ قسمت در میلیون (ppm) به بالای ۴۰۰ ppm افزایش یافته (IPCC, 2020). به‌علت سدسازی و تأمین آب برای مصارف کشاورزی و صنعتی، بسیاری از رودخانه‌ها و تالاب‌ها خشکیده‌اند (Cai et al., 2023). در نتیجه فعالیت‌های انسانی، بسیاری از گونه‌های حیات‌وحش منقرض شده و یا در معرض خطرند (Torres-Romero, Nijman, Fernández, & Eppley, 5775). میزان اراضی مورد بهره‌برداری انسان در سطح زمین از حدود ۱۰ درصد در سال ۱۹۰۰ به بیش از ۲۵ درصد افزایش یافته است (Pereira et al., 2458). این‌ها تنها بخشی از روندهای مخرب محیط‌زیست در عصر کنونی است و ادامه آن چیزی جز نابودی و تخریب کامل زیست‌کره نخواهد بود. در مقیاس ملی، مسائل متعدد محیط‌زیستی در ایران وجود دارد. بعضی از مهم‌ترین مسائل محیط‌زیستی ایران عبارتند از: آلودگی آب‌های سطحی و زیرزمینی؛ خشک‌شدن تالاب‌ها، دریاچه‌ها و رودخانه‌ها، فروافت منابع آب زیرزمینی، آلودگی هوا، کاهش تنوع زیستی، افزایش شدت وقوع سیل و خشکسالی، فرونشست زمین، فرسایش خاک و کاهش وسعت جنگل‌ها. وضعیت نابسامان محیط‌زیست کشور را می‌توان با بررسی جایگاه ایران در شاخص عملکرد محیط‌زیستی بررسی کرد. شاخص عملکرد محیط‌زیستی چکیده‌ای از وضعیت محیط‌زیست هر کشور است که با تجزیه و تحلیل ۳۲ شاخص خُرد در ۱۱ موضوع مرتبط با محیط‌زیست به دست می‌آید. کشور ایران در میان ۱۸۰ کشور دیگر در شاخص عملکرد محیط‌زیستی در سال ۲۰۲۴ رتبه ۱۱۳ را کسب کرده است (Block, Emerson, Esty, de Sherbinin, & Wendling, 2024).

۱-۱. هدف

با توجه به اهمیت محیط‌زیست و بحران‌های مربوط به آن در ایران، در این مقاله، کوشش شده است تا با معرفی مبانی نظری نقد بوم‌گرا و چگونگی ارتباط میان محیط‌زیست و ادبیات، با نگاهی به نقدهای محیط‌زیستی درباره شعر سهراب سپهری، ارتباط شعر او با طبیعت و محیط‌زیست در کانون توجه قرار گیرد و پس از مشخص کردن نحوه ارتباط آن با طبیعت و محیط‌زیست، امکان‌های بهره‌مندی از شعرهای او در جهت تأثیر بر مخاطبان در حیطه محیط‌زیست مشخص شود.

۲-۱. پیشینه پژوهش

۱-۲-۱. ادبیات و شعر محیط‌زیستی در ایران

اهمیت شعر در بازنمایی مسائل مربوط به محیط‌زیست در مورد ایران بیشتر است؛ زیرا شعر در کشورمان از سنتی دیرینه برخوردار است و همچنان از شریان‌هان اصلی فرهنگی به شمار می‌آید. پیشینه ارتباط میان طبیعت و شعر فارسی در تاریخ ادبیات ایران به دوران باستان برمی‌گردد. موضوع منظومه درخت آسوریگ که در دوران پیش از اسلام به نگارش درآمده، مناظره بز و درخت نخل است که درباره فواید خود سخن می‌گویند (نوابی ۱۳۴۶). شعر کلاسیک فارسی، که از حدود ۱۱۰۰ سال پیش آغاز می‌شود، به‌ویژه در دوره نخست، یعنی سبک خراسانی، سرشار از توجه به طبیعت است. مهم‌ترین قالب شعری در این دوره قصیده است. در قسمت آغازین قصیده، که تشبیب نام دارد، وصف مناظر طبیعی مانند بهار، پاییز، طلوع، غروب، ماه و ستارگان، کوه، دریا، دشت و صحرا، بخشی از ضروریات بوده است (شمیسا ۱۳۹۱: ۱۴۰)؛ افزون‌بر این سنت ادبی در شعر فارسی، در مورد ادبیات منثور کلاسیک فارسی نیز می‌توان گفت در یکی از مهم‌ترین متون نثر فارسی، کلیله و دمنه، حکایت‌ها از زبان حیوانات روایت می‌شود که این خود نشان‌دهنده اهمیت حیوانات و طبیعت در ادبیات فارسی است. استعاره عوامانه «گل و بلبل» در ادبیات فارسی کلاسیک، در واقع نشانه آشکاری از پیوند ادبیات و طبیعت در سنت ادبی فارسی است.

آشنایی با مبانی نقد محیط‌زیستی در حیطه ادبیات فارسی از دهه نود خورشیدی در ایران آغاز شد. معرفی این رویکرد در کشورمان از طریق انتشار کتاب تألیفی *نقد بوم‌گرا* (پارساپور ۱۳۹۲) و ترجمه مجموعه مقالاتی نظری در این‌باره با عنوان *درباره نقد بوم‌گرا* (پارساپور ۱۳۹۲) صورت گرفت و از همین دهه است که این رویکرد در مطالعات میان‌رشته‌ای مربوط به ادبیات فارسی به کار گرفته می‌شود و مقاله‌ها و کتاب‌هایی در این زمینه منتشر می‌شود. کتاب *اندوه خاک: محیط‌زیست در شعر معاصر ایران* (طاووسی ۱۴۰۰) که به اعتراف نویسنده با دغدغه بحران‌های محیط‌زیستی در کشورمان نوشته شده است، با مقدمه‌ای کوتاه درباره ارتباط محیط‌زیست و ادبیات در بعضی از مکتب‌های فکری و ادبی آغاز می‌شود. معرفی بعضی از شاخه‌های اصلی زیست‌بوم، «بوم‌گرایی ژرف» در شعر شاملو، اقلیم‌گرایی یا «بوم‌گرایی سطحی‌نگر» و تفکیک بین بوم‌گرایی و احترام به طبیعت در شعر نیما، بوم‌گرایی زن‌محور در شعر فروغ و بوم‌گرایی مارکسیستی در شعر آتشی مباحثی است که با دیدگاهی مدرن در این کتاب به بحث گذاشته شده است. در کتاب *اخلاق زمین* (پارساپور ۱۴۰۰)، ضمن نگاهی به نظریه‌های اخلاق زیست‌محیطی در غرب، به پیوند دین اسلام و متن قرآن و همچنین عرفان و تصوف با طبیعت پرداخته شده است. نمونه‌هایی از شعر و داستان فارسی نیز با نگاه

زیست‌محیطی در این کتاب بررسی شده است.

۱-۲-۲. الهیات و محیط‌زیست در ایران

الهیات محیط‌زیستی^۱ یکی از شاخه‌های نقد محیط‌زیستی است. اینکه ادیان سنتی چگونه می‌توانند در کمک به حل مسائل محیط‌زیستی کمک‌کننده باشند، بحث پیچیده‌ای است و ممکن است امری ناممکن به نظر برسد. با این حال، اگر بپذیریم که «الهیات محیط‌زیستی ادغام دیدگاه‌های علمی جدید درباره جهان طبیعی با مفاهیم الهیات سنتی است که به پارادایم الهیاتی نوینی می‌انجامد» (Troster 382)، کمک الهیات به محیط‌زیست ممکن می‌شود.

در ایران، موضوع ارتباط الهیات و محیط‌زیست در دهه ۱۳۴۰ با کتاب *نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت* (نصر ۱۳۴۳) مطرح شد. در کتاب یادشده، که مقدمه‌ای شد بر گسترش نظریاتی که نویسندۀ آن در زمینه اسلام و محیط‌زیست در سطح جهانی مطرح کرد، کوشش شده میان سنت اسلامی با طبیعت ارتباط برقرار شود و بر نقش معنویت در ارتباط با محیط‌زیست تأکید شده است. از نظر نصر علت‌های بحران‌های محیط‌زیستی عبارتند از: تقدس‌زدایی تدریجی از طبیعت، خردگرایی و انسان‌گرایی (۱۳۸۷: دوازده). هرچند بازگشت به طبیعت‌شناسی سنتی و تبدیل طبیعت به امری مقدس در نظریات نصر با نقدهایی جدی روبه‌رو شده است (قاسمی ۱۳۹۰)، از جهت تمایل صاحب‌نظران و متفکران اسلامی به ایجاد ارتباط میان سنت اسلامی محیط‌زیست به منظور حل بحران‌های مربوط به آن دارای اهمیت است. کتاب *الهیات محیط‌زیستی* (محقق داماد ۱۳۹۳) نیز نمونه دیگری از چنین کوشش‌هایی است. در این کتاب نیز با تأکید بر معنوی‌بودن بحران‌های محیط‌زیستی، بر نقش سنت اسلامی در حل این بحران‌ها تأکید شده است. افزون‌بر نظریات مشابه نصر، در این کتاب، به امکانات فقه شیعی برای کمک به حل بحران‌های محیط‌زیستی پرداخته شده است.

۲. مبانی نظری

۱-۲. علوم انسانی محیط‌زیستی

در واکنش به روندهای تخریب محیط‌زیست در مقیاس جهانی و محلی، پژوهشگران حیطه علوم مهندسی، برای ارائه راه‌حل‌های مقابله با مسائل محیط‌زیستی، پیش‌قدم بوده‌اند؛ اما در دهه‌های اخیر، در حیطه علوم انسانی نیز در همین جهت شاهد شکل‌گیری شاخه جدیدی به نام علوم انسانی محیط‌زیستی هستیم. در برخی

از متون، برای اشاره فلسفی به ارتباط علوم انسانی با محیط‌زیست، ابتدا به مفهوم عصر انسان «آنتروپوسن» اشاره شده است.

نخستین بار، استورمر^۱ در سال ۱۹۸۰ اصطلاح «آنتروپوسن» را برای اشاره به تأثیر انسان بر سیاره زمین به کار گرفت (Lintsen 605). او و پال کروتزن^۲ (برنده جایزه نوبل شیمی ۱۹۹۵) در سال ۲۰۰۰ با انتشار مقاله‌ای، ضمن تبیین مفهوم آنتروپوسن، به نقش برجسته و ویرانگر گونه انسان در این دوره اشاره کردند. در این مقاله آن‌ها با ذکر ادله کافی، آغاز دوره آنتروپوسن را سال ابداع موتور بخار (۱۷۸۴) اعلام کردند. تأکید کروتزن و استورمر بر دهه ۱۷۸۰ به این دلیل است که در آن دوران سوزاندن سوخت‌های فسیلی در موتورهای بخار اختراعات بعدی مانند قایق‌های موتوری، قطارها و صنایع را ممکن ساخت و در نتیجه انتشار گازهای گلخانه‌ای و آلودگی‌ها را تشدید کرد. در این مقاله، کروتزن و استورمر، ضمن اشاره به مصرف کامل سوخت‌های فسیلی در آینده نزدیک و تخریب محیط‌زیست به واسطه آن، مهم‌ترین گام در حفظ زمین را همکاری دانشمندان با مردم برای توسعه راهبردهای مدیریت پایدار محیط‌زیست دانسته‌اند.

مفهوم آنتروپوسن بسیاری از روندهای کلان تخریب محیط‌زیست را زیر یک پرچم واحد جمع می‌کند. همچنین به‌عنوان نوعی مفهوم فلسفی چالش‌برانگیز عمل می‌کند. این مفهوم وعده‌های رشد اقتصادی مبتنی بر مهندسی هوشمندانه و ایده آدم اسمیت^۳ مبنی بر «دست نامرئی» بازار آزاد را به چالش می‌کشد. افزون‌بر این، بر گرایش به آموزش‌های بوم‌شناختی، در جهت تقویت مطالعات مرتبط با حیطه علوم انسانی، از قبیل، ادبیات، تاریخ، هنر و فلسفه، تأکید می‌کند. از نگاه فلسفی، آنتروپوسن، هم از پایان احتمالی زندگی انسان خبر می‌دهد و هم نیاز به شیوه‌ای جایگزین را برای زیستن در جهان گوشزد می‌کند (Emmett & Nye 32-180). اشاره روی اسکرانتون^۴ به مفهوم آنتروپوسن و ارتباط آن با علوم انسانی این‌گونه است:

اگر انسان خردمند در هزاره بعدی زنده بماند، این به معنی بقا در جهانی متفاوت با جهانی است که ما در ۲۰۰ هزار سال گذشته می‌شناسیم. برای سازگاری ما با این دنیای عجیب‌وغریب جدید، به چیزی بیش از گزارش‌های علمی و سیاست‌های نظامی نیاز داریم. ما به ایده‌های جدید نیاز داریم. ما به اسطوره‌ها و داستان‌های جدید، درک مفهومی جدید از واقعیت، و رابطه‌ای جدید با فرهنگ و سنت‌های عمیق بشری نیاز داریم. برخلاف سرمایه‌داری و علیه سرمایه‌داری، ما

- 1 Stromer
- 2 Paul J. Crutzen
- 3 Adam Smith
- 4 Roy Scranton

به شیوه‌ای جدید برای اندیشیدن به هویت جمعی خود نیاز خواهیم داشت. ما نیاز به دید جدیدی از «ما» داریم. ما به یک علوم انسانی جدید نیاز داریم؛ یک انسان‌گرایی فلسفی جدید که با توجه مجدد به علوم انسانی پیوند خورده است (108-52).

برخلاف مهندسی محیط‌زیست، علوم انسانی محیط‌زیستی با رویکردهای هنر و علوم انسانی به بررسی دنیای طبیعی، مسائل محیط‌زیستی و معنای «زندگی خوب» برای همه موجودات زنده می‌پردازد. علوم انسانی محیط‌زیستی، به‌طور خاص، رفتارهای انسانی، ارزش‌های فرهنگی، الگوهای تاریخی، زمینه‌های اجتماعی، نگرش‌های عمومی، ایده‌های سیاسی، باورهای مذهبی، ابعاد معنوی، نگرانی‌های اخلاقی و عاطفی را برجسته می‌کند (Nye, Rugg, Flemming, & Emmett, 28). به این ترتیب، علوم انسانی محیط‌زیستی درک عمیق‌تری از نقش انسان در دگرگونی جهان امروز ارائه می‌دهد. علوم انسانی محیط‌زیستی محل تلاقی رشته محیط‌زیست با رشته‌های موجود در حیطه علوم انسانی است و از این طریق به شناخت روابط پیچیده میان افراد، مکان‌ها، حیوانات، گیاهان، قارچ‌ها، آب، خاک، زمین و هوا کمک می‌کند (Tsing 251-289). این شناخت اغلب از طریق داستان‌ها یا روایت‌هایی که مردم و جوامع درباره محیط‌زیست می‌گویند و همچنین داستان‌هایی که از محیط‌زیست در مورد خودش و به قول خودش می‌گوییم، شکل می‌گیرد (Griffiths 2007).

۲-۲. ادبیات محیط‌زیستی

ادبیات محیط‌زیستی را می‌توان یکی از مهم‌ترین شاخه‌های علوم انسانی محیط‌زیستی برشمرد. برخی از محققان ادبی و نویسندگان معتقدند که ادبیات می‌تواند دنیا را نجات دهد (Hubbell & Ryan 540). به گفته رمان‌نویس هندی، آمیتاو قوش^۱، بحران تغییر اقلیم نتیجه شکست تخیل است (۲۰۱۸). یک ادبیات محیط‌زیستی جدید باید تخیل ما را آموزش دهد تا تغییر اقلیم را به‌درستی ببینیم. برندا هیلمن^۲، شاعر آمریکایی، استدلال می‌کند که «عادات ذهنی که از خواندن و درگیر شدن با شعر آموخته می‌شود، می‌تواند با فرهنگ حرص و خودشیفتگی مقابله کند و به خواننده شعر کمک کند تا با حوصله و دقت زندگی کند» (به نقل از Fiedorczuk & Beltran 2015). پرسبی بیش شلی^۳ (شاعر و غزل‌سرای انگلیسی ۱۸۲۲-۱۷۹۲) در کتاب خود،

1 Amitav Ghosh

2 Brenda Hillman

3 Percy Bysshe Shelly

دفاع از شعر، نوشته است:

انسان برای اینکه خوب باشد، باید بسیار و به‌نحو مطلوب تخیل داشته باشد؛ او باید خود را به جای دیگری و به جای خیلی‌های دیگر بگذارد؛ دردها و لذت‌های گونه‌ای او (انسان‌های دیگر) باید از آن او شود. شعر قوه‌ای را که محور اخلاقی انسان است تقویت می‌کند؛ همان‌طور که ورزش جسم را تقویت می‌کند (Shelley & Brett-Smith, 1910).

براساس اظهارات شلی، بدون تخیل ادبی، در داده‌ها غرق می‌شویم. ادبیات تخیل دلسوزانه ما را تقویت می‌کند تا بتوانیم نوع‌دوستانه بیندیشیم و احساس کنیم و ما را توانا می‌کند تا اخلاقی عمل کنیم. مرتبط با همین مباحث، لارنس بوئل^۱، محقق ادبی، نتیجه یکی از پیمایش‌های خود را این‌گونه خلاصه می‌کند: موفقیت همه کوشش‌های فعالان محیط‌زیستی در نهایت نه به برخی فناوری‌های پیشرفته؛ بلکه به نوع نگرش‌ها، احساسات، تصاویر و روایت‌های آن‌ها بستگی دارد (۲۰۰۱). در واقع، ادبیات دانش، عادات ذهنی و همدلی را آموزش می‌دهد و این موارد پایه‌های لازم برای حل بحران‌های آنتروپوسن هستند.

در ادبیات، نویسندگان، همواره، با توصیف محیط، زمینه‌های بروز موضوع اصلی را فراهم می‌کنند. نویسنده برای شرح داستان خود ممکن است یک محیط واقعی را به تصویر کشد؛ مانند بسیاری از روایت‌های واقع‌گرایانه؛ یا ممکن است محیط‌های خیالی را به نمایش بگذارد؛ مانند داستان‌های علمی-تخیلی، فانتزی، و بسیاری از شعرهای حماسی. در ادبیات «تخیلی-اقلیمی»^۲ سناریوهای محتمل تأثیر تغییر اقلیم بر محیط‌زیست تشریح می‌شود و به خوانندگان کمک می‌شود که ببینند زمین ممکن است به چه روزی افتد. نویسنده، با توصیف محیط، مفروضات خود را در مورد اینکه محیط‌زیست چه شکلی است، چگونه کار می‌کند، چگونه اهمیت دارد و چه رابطه‌ای با انسان دارد، بیان می‌کند؛ برای مثال، در رمان‌های چارلز دیکنز، توصیف محیط از نشانه‌های اعتراضی و انتقادی به اثرات محیط‌زیستی ناشی از انقلاب صنعتی در قرن ۱۹ پر است (Lintsen 606). دیکنز در رمان *دامبی و پسر* به توصیف تأثیر قطار بر زمین و زندگی پرداخته است (۱۸۷۲). به بیان دیکنز، ساخت راه‌آهن لندن و بیرمنگام در باغ‌های استگ (محل‌های در شهر کمدن، لندن) تأثیری مشابه با زلزله‌ای را داشته است که می‌توانست کل منظره را به یک هیولای عجیب تبدیل کند. در این رمان، راه‌آهن، همانند اولین تکانه از یک زلزله بزرگ، آثار مخربی مانند خرابی خانه‌ها و تخریب زمین دارد. دیکنز در رمان *روزگار سخت* (۱۸۵۴) نیز

1 Laurens Boel

2 Climate fiction (cli-fi)

از تأثیر دود بر محله‌های کارگرنشین ابراز تاسف کرده است. محل رخداد رمان به عمد کوکتاون (شهر زغالی یا شهر سوخته) نام دارد که خود کنایه‌ای است به آسیب جبران‌ناپذیر انقلاب صنعتی به روستاها. دیکنز کوکتاون را این‌گونه توصیف می‌کند:

شهری بود ساخته‌شده از آجرهای قرمز و یا بهتر بگوییم آجرهایی که قرمز می‌بود اگر دوده و خاکستر اجازه می‌داد [...] شهر ماشین‌آلات و دودکش‌های بلند که دود از آن‌ها مانند اژدهاهای بلند در پی یکدیگر بیرون می‌آمد [...] کانالی به رنگ سیاه داشت و رودخانه‌ای بدبو و ارغوانی (۱۳۸۷: ۸۰).

اعلام دوره آنتروپوسن در سال ۲۰۱۶، رویداد پایان دوره دوازده‌هزارساله هولوسین حدود سال ۱۹۵۰ تعیین شد که طی آن، آب‌وهوا نسبتاً پایدار بود و تمدن بشری گسترش یافت (Clark 2019: 25). این رویداد توجه به تأثیرات ویران‌گر بشر بر زمین و محیط‌زیست را بیش از پیش مطرح کرد. از آنجاکه این بحران وجوه مختلفی، از وجه فناورانه گرفته تا اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، فلسفی را شامل می‌شود، مواجهه با آن نیز ضرورتاً از ابعاد گوناگون صورت می‌گیرد. در این میان، یکی از حیطه‌هایی که از طریق آن می‌توان به این مسئله پرداخت، ادبیات محیط‌زیستی و نقد محیط‌زیستی یا بوم‌گرا یا بوم‌شناختی است. نقد بوم‌شناختی مطالعه ارتباط میان ادبیات و محیط عینی است. همان‌گونه که نقد فمینیستی، زبان و ادبیات را از دیدگاهی جنسیتی بررسی می‌کند و نقد مارکسیستی آگاهی از شیوه‌های تولید و طبقه اقتصادی را در خوانش متون اعمال می‌کند، نقد بوم‌شناختی نیز با رویکردی زمین‌محور به مطالعات ادبی می‌پردازد (Glotfelty, 1996: xix).

۲-۳. شعر محیط‌زیستی

شعر محیط‌زیستی یا بوم‌سرایی^۱ یکی از شاخه‌های ادبیات محیط‌زیستی است که به موضوع بحث ما در این مقاله مربوط می‌شود. نگرانی‌های محیط‌زیستی و وجه اعتراضی، دو خصیصه‌ای هستند که برای شعر محیط‌زیستی برشمرده‌اند. مخاطبی که بحران‌های محیط‌زیستی را درک کرده است، دیگر شعر را به شکل‌های قدیمی نمی‌خواند و از این منظر، بسیاری از شعرها می‌توانند خصلتی محیط‌زیستی بیابند. اهمیت شعر در بیان بحران‌های محیط‌زیستی به‌حدی است که بعضی از صاحب‌نظران، شعر را در بیان پیچیدگی‌های واقعی مسائل زیست‌محیطی و بازنمایی کثرت، تناقض و عدم قطعیت این مسائل در مقایسه با شکل‌های متشوری، مانند رمان و داستان کوتاه در جایگاه برتری قرار می‌دهند. در این نگاه:

شعر نه تنها به بیان احساسات و تجربیات انسانی می‌پردازد؛ بلکه همچنین می‌تواند مفاهیم پیچیده و چندلایه‌ای را در مورد بحران‌های زیست‌محیطی و چالش‌های جهانی ارائه دهد. این توانایی در معانی باز، چندگانه و حتی متناقض، شعر را به ابزاری قدرتمند برای بررسی موضوعاتی تبدیل می‌کند که نیازمند تفکر عمیق و انتقادی هستند؛ از این‌رو، شعر می‌تواند به ما کمک کند تا با واقعیت‌های دشوار و غیرقابل پیش‌بینی تغییرات اقلیمی و تأثیرات آن بر جهان آشنا شویم؛ بی‌آنکه به‌سادگی به روایت‌های خطی و ساده‌انگارانه بسنده کنیم (Clatck 2019:58-60).

۳. پرسش‌های پژوهش

با توجه به اهمیت شعر در ایران و همچنین براساس ارتباط میان الهیات و محیط‌زیست در شعر سهراب سپهری، در ادامه خواهیم کوشید تا با بررسی شعر سهراب سپهری، به این پرسش پاسخ دهیم که آیا می‌توان از شعر او که نمونه‌ی موفق‌ی از ارتباط میان الهیات و محیط‌زیست است، در جهت کمک به وضعیت محیط‌زیست در کشورمان استفاده کرد. پاسخ به این پرسش می‌تواند پاسخ‌پرسی بزرگ‌تر، یعنی امکان استفاده از شعر در کمک به محیط‌زیست در ایران را نیز در بر بگیرد.

۴. محیط‌زیست و شعر سهراب سپهری: خوانش‌های الهیاتی

سهراب سپهری یکی از برجسته‌ترین شاعران معاصر ایران است. او افزون‌بر شاعری، در نقاشی نیز صاحب سبک و معروف بود. در شعر سپهری، رابطه‌ای زیبا و آرامش‌بخش بین انسان و طبیعت شکل گرفته است. چنان‌که محققان شعر او نیز ذکر کرده‌اند، در شعر او همه‌ی مظاهر طبیعت از قبیل گل‌ها و انواع گیاهان، باران، صبح، شب‌نم، کوه، دره، دشت و دریا از زندگی سخن می‌گویند (دستغیب ۱۳۷۱: ۳۶). طبق پژوهشی دیگر، در شعر او، طبیعت موضوع مهرورزیدن قرار گرفته است (کویجکوی ۱۳۶۳: ۳۵۱). یافته‌های یکی از پژوهش‌هایی که درباره‌ی دو مجموعه‌ی شعری سپهری شامل *صدای پای آب* و *حجم سبز* صورت گرفته است، نشان می‌دهد که مضمون «انسان در مرکز جهان» در این دو مجموعه دیده نمی‌شود و در عوض مضمون «انسان در جهان در کنار دیگر موجودات» در شعرهای این دو مجموعه دیده می‌شود (مصطفایی و عالی‌راد ۱۱۳).

مرگ رنگ (۱۳۳۰) نخستین مجموعه‌ی شعر سپهری است که در آن تأثیرات نیما یوشیج را می‌توان دید. طبیعت‌گرایی در شعر سپهری را می‌توان حتی در اولین مجموعه‌ی شعر او نیز دید؛ مثلاً این توصیف از طبیعت: «سکوت بند گسسته است /

کنار دره، درخت شکوه‌پیکر بیدی. / در آسمان شفق‌رنگ، / عبور ابر سپیدی. / نسیم در رگ هر برگ می‌دود خاموش» (۱۳۸۹: ۳۵).

دوستی و عشق سهراب به طبیعت در حدی است که در یکی از شعرهای خود طبیعت و روابط عناصر آن را بهترین الگو برای روابط انسان‌ها معرفی کند: «من ندیدم دو صنوبر را با هم دشمن / من ندیدم بیدی سایه‌اش را بفروشد به زمین / رایگان می‌بخشد نارون شاخه خود را به کلاغ / هرکجا برگی هست شور من می‌شکفت» (۱۸۱).

در این شعر، شاعر به مخاطبان خود پیشنهاد می‌کند که رابطه خود با یکدیگر را از رابطه درختان و گیاهان الگوبرداری کنند و عشق خود به طبیعت را پنهان نمی‌کند و اظهار می‌کند که دیدن یک برگ هم اشتیاق او را برمی‌انگیزد.

شور و اشتیاق سپهری در شعرهایش به طبیعت در حدی است که آن را با دینداری می‌آمیزد و اجزای طبیعت را جانشین مؤلفه‌های دینی می‌کند. در یکی از شعرهایش، او مسلمانی است که قبله‌اش یک گل سرخ است، جانمازش چشمه، مَهر او نور و دشت سجاده اوست. حتی ماه هم در نماز او جریان دارد. این ترکیب و آمیختگی عناصر طبیعت و یکی از فریضه‌های مسلمانی، یعنی نماز خواندن که به زیبایی توصیف شده است، نشان‌دهنده عمق علاقه‌ی راوی مسلمان این شعر و یکی شدن او با طبیعت است: «من مسلمانم / قبله‌ام یک گل سرخ / جانمازم چشمه، مَهرم نور. / دشت سجاده من / من وضو با تپش پنجره‌ها می‌گیرم / در نمازم جریان دارد ماه» (۱۷۰). در آغاز همین شعر او مادر خود را با برگ درخت مقایسه می‌کند، دوستانش را با آب روان و خدا را در میان گیاهان و درختان و آب می‌بیند: «مادری دارم بهتر از برگ درخت / دوستانی بهتر از آب روان / و خدایی که در این نزدیکی است / لای این شب‌بوها، پای آن کاج بلند / روی آگاهی آب، روی قانون گیاه» (۱۷۰).

چنان‌که برخی از پژوهش‌گران اشاره کرده‌اند، سپهری از منظر طبیعت به زندگی اجتماعی انسان می‌نگرد (مسکوب ۱۳۹۰: ۵۱۴). سپهری در یکی از شعرهای بسیار معروف خود، الگویی از چگونگی رفتار انسان با طبیعت را به مخاطبان خود پیشنهاد می‌کند. او در این شعر به خود و خوانندگان خود می‌گوید که رابطه آن‌ها با پرندگان به‌حدی باید دوستانه باشد که اگر در طبیعت هستند و با چشمه‌ای مواجه می‌شوند، آب آن را گل آلود نکنند تا برای نوشیدن آب توسط پرندگان از آن چشمه ایجاد مزاحمت نکنند: «آب را گل نکنیم / در فرودست انگار کفتری می‌خورد آب / یا که در بیشه دور سیره‌ای پر می‌شوید / یا در آبادی کوزه‌ای پر می‌گردد / آب را گل نکنیم» (۱۳۸۹: ۲۱۸).

در شعر سپهری، تأثیرات طبیعت و نگاه مثبت‌اندیش و ارتباط دوستانه و عاشقانه شاعر با آن به‌روشنی دیده می‌شود. این موضوع توجه منتقدان و پژوهش‌گران را نیز جلب کرده است. در بیشتر مطالعات صورت‌گرفته در حیطه

نقد بوم‌گرا و شعر معاصر فارسی، شعر سهراب سپهری در کانون توجه بوده است. مجموعه‌ای از یافته‌های این پژوهش‌ها از این قرار است: تأثیرات آموزه‌های اخلاقی هندوئیسم و بودیسم و بارزترین وجه آن، «آهمیسا» به معنای پرهیز از آزار موجودات زنده بر شعر محیط‌زیستی سپهری (پارساپور و فتوحی ۱۳۹۲)؛ نفی نگرش اومانستی در شعر سهراب و تعامل فرهنگ و طبیعت، تکریم طبیعت، درک ارزش و لزوم صیانت از آن در شعر او (نیازی ۱۳۹۹)؛ تشخیص جانوران و گیاهان و جمادات، یگانگی انسان با طبیعت، هم‌بودگی عناصر طبیعی، کلیت طبیعت، انسان در درون طبیعت در کنار دیگر موجودات، تسلط دولت بر طبیعت، ارتباط اقلیم کویری شاعر و توجه به طبیعت، طبیعت‌گرایی ایرانی در برابر طبیعت‌گرایی اومانستی غربی (مصطفایی و عالی‌راد)؛ طبیعت به‌عنوان موضوع پرستش، عشق و منبع الهام و مکاشفه (تقدس طبیعت)، برتری طبیعت بر انسان مدرن (Dabiran 2021)؛ طبیعت به‌عنوان تجلی‌گاه خداوند و واسطه وصل (نخعی و شعبان‌زاده ۱۳۹۸)؛ ترجیح اخلاق زیست‌محیطی «پست‌مدرن» بر نگاه انسان‌محورانه مدرن به طبیعت (میرزابابازاده فومشی ۱۳۸۸).

در پژوهشی مفصل با عنوان «الهیات محیط‌زیستی و عشق: بوطیقای هم‌سوی سهراب سپهری و جیمز بالدوین» (Davari 2022)، نوعی عرفان ترکیبی، شامل عناصری از عرفان اسلامی (وحدت وجود)، عرفان ایرانی - اسلامی (به‌ویژه مولوی)، چین، هند، ژاپن و آفریقا در ارتباط میان شعر او و محیط‌زیست بررسی شده و در این میان، با جست‌وجوهای در زندگی و شعر سهراب، بر تأثیرات آیین ویشنو در شعر او در پیوند با محیط‌زیست تأکید شده است.

در همه این پژوهش‌ها ارتباط طبیعت و شعر سهراب در زمینه‌ای عرفانی (اعم از شرقی، اسلامی و ایرانی) در کانون توجه بوده است. البته، ارتباط شعر سپهری با عرفان شرقی نیرومندتر است و به نوشته یکی از پژوهشگران فرهنگ معاصر: طبیعت‌ستایی سپهری به ظاهر چیزی از طبیعت‌ستایی رومانتیسم اروپایی (مثلاً از روسو تا آندره ژید) در خود دارد؛ اما ریشه‌هایش از درون‌مایه‌ای ژرف‌تر آب می‌خورد و آن عرفان شرقی است. چنین می‌نماید که سپهری از عرفان خاور دور (چین و ژاپن) بیشتر مایه پذیرفته است تا عرفان اسلامی و ایرانی (آشوری ۱۳۸۰: ۱۴۰).

۵. نتیجه

در پاسخ به وضعیت کنونی کشور در زمینه مسائل و بحران‌های محیط‌زیستی، می‌توان از فرهنگ غنی شعر و ادبیات ایرانی در جهت شناخت بیشتر مردم از وضعیت محیط‌زیست، افزایش حساسیت‌های محیط‌زیستی، تقویت فرهنگ حفاظت

از محیط‌زیست و بهبود اخلاق محیط‌زیستی یاری جست. این امر در آغاز از طریق شناسایی بن‌مایه‌های بوم‌گرایی در شعر و ادبیات ایرانی و سپس تقویت و ترویج آن در ادبیات معاصر امکان‌پذیر است. بر این اساس، در این مقاله، ضمن تشریح مبانی نظری ادبیات محیط‌زیستی و اهمیت آن در شرایط کنونی کشور، به بررسی ارتباط میان طبیعت و شعر فارسی پرداخته شد و در این زمینه، شعر سهراب سپهری به‌عنوان نمونه‌ای موفق از ارتباط میان الهیات و محیط‌زیست معرفی شد.

شعرهای سهراب سپهری در زمانه‌ای سروده و منتشر شدند که سایه سیاست بر فضای ادبی ایران بسیار سنگین بود. شعر سپهری پیام‌آور دوستی و محبت با همه‌چیز و همه‌کس است. در شعر او انسان نه نوعی برگزیده و برکشیده؛ بلکه جزئی از کلیت هستی و طبیعت به شمار می‌آید. طبیعت‌ستایی سپهری و تأثیرپذیرهای او در شعرهایش از الهیات، چه در سنت عرفای ایرانی اسلامی منشأ داشته باشد، چه ریشه در آیین‌های خاور دور و هند و چین و ژاپن، اعم از هندوئیسم و بودیسم و بارزترین وجه آن، «آهمیسا» و ویشنو و چه ترکیبی از همه این‌ها، نشان می‌دهد که ادغام بعضی مفاهیم سنت‌های دینی با دیدگاه‌های مدرن، کاری است شدنی و می‌تواند در حل بحران‌های محیط‌زیستی به بشر امروز کمک برساند.

تبدیل طبیعت به امر قدسی در جهان مدرن البته کار آسانی نیست؛ با این حال، با بهره‌گیری از تخیل، چنان‌که در شعر سپهری می‌توان دید، شعر از مهم‌ترین ابزارهایی است که می‌تواند در مسیر چنین هدفی حرکت کند و هم‌زمان بسیاری از پیچیدگی‌ها و تناقضات را در خود جای دهد. این موضوع از جهاتی در کشور ما شدنی‌تر به نظر می‌رسد. میراث ادبی و عرفانی فارسی در این زمینه بسیار کمک‌کننده است. رواج شعر در جامعه ایرانی نیز تأثیرگذاری این شکل ادبی را بیشتر می‌کند. وجود و بروز پایه‌های نظری الهیات محیط‌زیستی هم در حیطه فلسفه و عرفان اسلامی (نصر ۱۳۴۳) و هم در حیطه فلسفه و عرفان و فقه (محقق داماد ۱۳۹۳) نشان می‌دهد که اندیشمندان دینی هم به بحران‌های محیط‌زیستی آگاهی دارند و هم کوشیده‌اند در جهت حل این مشکل که آن را معنوی می‌دانند، در جست‌وجوی راه‌حلی در گفتمان الهیاتی باشند. با توجه به نمونه موفق شعر سپهری در میان مخاطبان ایرانی و هم‌زمان ویژگی طبیعت‌ستا و محیط‌زیستی آن، به نظر می‌رسد در میان مجموعه‌ای از کوشش‌ها برای برون‌رفت از شرایط بحرانی کنونی، شعر فارسی، چه در قالب الهیاتی و چه غیر آن، می‌تواند به‌عنوان یکی از راه‌حل‌ها برای برون‌رفت از این بحران به جامعه ایرانی کمک کند.

این مقاله از حمایت مالی هیچ نهاد یا مرکز آموزشی و پژوهشی استفاده نکرده است.

منابع

- آشوری، داریوش (۱۳۸۰). *شعر و اندیشه*. ویرایش دوم، چاپ سوم، تهران: مرکز.
- پارساپور، زهرا (۱۳۹۲). *درباره نقد بوم‌گرا* (گردآوری، مقدمه و ویرایش). ترجمه عبدالله نوروزی و حسین فتحعلی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پارساپور، زهرا (۱۳۹۲). *نقد بوم‌گرا: ادبیات و محیط‌زیست*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پارساپور، زهرا (۱۴۰۰). *اخلاق زمین: نقد متون عرفانی و ادبی با رویکرد اخلاق محیط‌زیستی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- پارساپور، زهرا؛ فتوحی، فرناز (۱۳۹۲). «تأثیرپذیری سهراب سپهری از عرفان شرق در حوزه اخلاق زیست‌محیطی». *ادبیات پارسی معاصر*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۳: ۴، صص. ۱۹-۲۷.
- دستغیب، عبدالعلی (۱۳۷۱). *گرایش‌های متضاد در ادبیات معاصر ایران*. تهران: خنیاگر.
- دیکنز، چارلز (۱۳۸۷). *روزگار سخت*. ترجمه حسین اعرابی، تهران: نگاه.
- سپهری، سهراب (۱۳۸۹). *هشت کتاب*. اصفهان: گفتمان اندیشه معاصر.
- شمیسا، سیروس (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی شعر*. تهران: میترا.
- طاووسی، سهرای (۱۴۰۰). *اندوه خاک: محیط‌زیست در شعر معاصر ایران*. تهران: آفتابگردان.
- کویجک، ورا (۱۳۶۴). *ادبیات نوین ایران از مشروطیت تا انقلاب اسلامی*. گردآوری و ترجمه یعقوب آژند، تهران: امیرکبیر.
- محقق داماد، سیدمصطفی (۱۳۹۳). *الهیات محیط‌زیست*. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- مسکوب، شاهرخ (۱۳۹۰). *اقلیم حضور: دادنامه شاهرخ مسکوب*. به کوشش علی دهباشی، تهران: نقد افکار.
- مصطفایی، سورن؛ عالی‌راد، اسماعیل (۱۳۹۹). «رابطه انسان و طبیعت در اندیشه و شعر معاصر: مطالعه تطبیقی جامعه‌شناختی شعر سهراب سپهری و مهدی اخوان‌ثالث». *جامعه‌شناسی ایران*، ۲۱: ۱، صص. ۹۵-۱۲۱.
- میرزابابازاده فومشی، بهنام (۱۳۸۸). «اخلاق زیست‌محیطی یا انسان‌محوری: بوم‌نقد تطبیقی با نگاهی به سپهری و امرسن». *ادبیات تطبیقی*، ۸: ۱، صص. ۴۶-۶۳.
- نخعی، حسنیه؛ شعبان‌زاده، مریم (۱۳۹۸). «بررسی نگاه عرفانی به طبیعت در شعر سهراب سپهری». *ادیان و عرفان تطبیقی*، ۳: ۵، صص ۱-۲۴.
- نصر، سیدحسین (۱۳۴۳). *نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت*. چاپ دوم، تهران: کتابفروشی دهخدا، چاپخانه افست مروی.
- نصر، سیدحسین (۱۳۸۷). *انسان و طبیعت: بحران معنوی انسان متجدد*. ترجمه عبدالرحیم گواهی،

تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

نوابی، ماهیار (۱۳۴۶). *منظومه درخت آسوریگ*. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

نیازی، نوذر (۱۳۹۹). رابطه ساختارشکنانه فرهنگ و طبیعت: نقدی بوم‌گرا بر چند سروده از سهراب

سپهری. «ادبیات پارسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۰: ۱، صص.

۴۰۱-۴۲۲

Block, S., Emerson, J. W., Esty, D. C., de Sherbinin, A., & Wendling, Z. A. (2024).

Environmental Performance Index. New Haven, CT: Yale Center for Environmental Law & Policy. Retrieved from epi.yale.edu.

Buell, L. (2001). *Writing for an Endangered World: Literature, Culture, and Environment in the US and Beyond*: Harvard University Press.

Cai, Y., Zhang, P., et al. (2023). "How does Water Diversion Affect Land Use Change and Ecosystem Service: A Case Study of Baiyangdian Wetland, China." *Journal of Environmental Management*, 344, 118558. DOI: 10.1016/j.jenvman.2023.118558

Clark, T. (2019). *The Value of Ecocriticism*. Cambridge, England: Cambridge University Press.

Dabirnia, M. (2021). "A Comparative Study of the Representation Human/Nature Relationship in Selected Poems from Robert Frost and Sohrab Sepehri from an Ecocriticism Perspective." *Advances in Language and Literary Studies*, 12: 6, pp.87-94.

Dastgheib, Abdolāli (1371). *Gerāyesh-haye Motazād dar Adabiyāt-e Mo'aser-e Iran*. Tehran: Entesharat-e Khonyagar.

Davary, B. (2022). *Ecotheology and Love: The Converging Poetics of Sohrab Sepehri and James Baldwin*. Rowman & Littlefield.

Dickens, C. (1387). *Ruzkār-e Sakht*. Translated by H. A'rābī, Tehran: Mo'asseseh-ye Enteshārāt-e Negāh.

Dickens, C. (1854). *Hard Times: For These Times*. Leipzig, Germany: Tauchnitz.

Dickens, C. (1872). *Dombey and the Son*. Boston, MA: J.R. Osgood and Company.

Emmett, R. S., & Nye, D. E. (2017). *The Environmental Humanities: A Critical Introduction*. Cambridge, MA: MIT Press.

Fiedorczuk, J., & Beltran, G. (2015). Ecopoetics. An Ecological "Defense of Poetry". In: Muzeum Historii Polskiego Ruchu Ludowego. Biblioteka Iberyjska.

- Ghosh, A. (2018). *The Great Derangement: Climate Change and the Unthinkable*. London, UK Penguin UK.
- Glotfelty, C. (1996). *The Ecocriticism Reader: Landmarks in Literary Ecology*. Athens, GA: U of Georgia P.
- Griffiths, T. (2007). "The humanities and an environmentally sustainable Australia." *Australian Humanities Review*, 43(December).
- Hubbell, J. A., & Ryan, J. C. (2021). *Introduction to the Environmental Humanities*. London, UK: Routledge.
- IPCC. (2020). Climate change and land. Special Report. Intergovernmental Panel on Climate Change (IPCC). Retrieved from (Cambridge University Press, UK, 2020), p. 540.
- Koubijeko, Vera (1364). *Adabiyat-e Novin-e Iran az Mashroutiyat ta Enqelab-e Islami*. Gerdavāri va Tarjome-ye Yaqoub Azhand, Tehran: Entesharat-e Amir Kabir.
- Lintsen, H. (2021). "The Anthropocene and the Humanities: From Climate Change to a New Age of Sustainability by Carolyn Merchant." *Technology and Culture*, 62: 2, pp.604-606.
- Mīrzāzādeh Fūmashī, B. (1388). "Akhlāq-e Zīst-muhītī yā Insān-mavhorī: Būm-naqd-e Taqbīqī bā Negaḥī be Sepandar va Emerson". *Adabiyāt-e Taqbīqī*, 8: 1, pp. 46-63.
- Moḥaqiq Dāmād, S. M. (1393). *Elahiyāt-e Muḥīt-zīst*. Tehran: Mo'asseseh-ye Pazhooheshī-ye Ḥekmat va Falsafeh-ye Irān.
- Moṣṭafā'ī, S. 'Ālīzād, I. (1399). "Rabṭe-ye Insān va Ṭabī'at dar Andīsheh va Sher-e Mo'āsher: Moṭāle'eh-ye Taqbīqī-Jām'e-shenākhtī Sher-e Sohrāb Sepandar va Maḥdī Akhvān-thālith.". *Majalleh-ye Jām'e-shenāsī-ye Irān*, 21: 1, pp. 95-121.
- Nakha'ī, Ḥ., Shabānzādeh, M. (1398). "Barrāsī-ye Negaḥ-e 'Irfānī be Ṭabī'at dar Sher-e Sohrāb Sepandar." *Dofasl-nāmeḥ-ye Adyān va 'Irfān-e Taqbīqī*, 3:5, pp. 1-24.
- Naṣr, S. Ḥ. (1343). *Nazar-e Motafakkirān-e Islāmī dar Bārē-ye Ṭabī'at*. 2nd ed. Tehran: Ketābfurūshī Dehkhodā, Chāpkhāneh-ye Ofset-e Marvī.
- Naṣr, S. Ḥ. (1387). *Insān va Ṭabī'at*. Translated by A. Govāhi, Tehran: Daftar-e

Nashr-e Farhang-e Eslamī.

- Navābī, M. (1346). *Manzūmeh-ye Derakht-e Āsūrīg*. Tehran: Bonyād-e Farhang-e Irān.
- Neyāzī, N. (1399). “Rabṭe-ye Sākhtārshikanān-e Farhang va Ṭabī’at: Naqdī Būmgarā bar Chand Sarudeh az Sohrāb Sepandar.” *Adabiyāt-e Pārsi-ye Mo’āṣer*, 10:1, pp. 401-422
- Nye, D. E., Rugg, L., Flemming, J., & Emmett, R. (2013). *The Emergence of the Environmental Humanities*.
- Pārsāpūr, Z., Fotūhī, F. (1392). “Ta’sīr-pazīrī-ye Sohrāb Sepandar az ‘Irfān-e Sharq dar Ḥawze-ye Akhlāq-e Zīst-muhītī.” *Adabiyāt-e Pārsi-ye Mo’āṣer*, 3:4, pp. 19-27. Research Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Pereira, H. M., Martins, I. S., Rosa, I. M., et al. (2024). “Global trends and Scenarios for Terrestrial Biodiversity and Ecosystem Services from 1900 to 2050.” *Science*, 384: 6694, pp. 458-465. DOI: 10.1016/j.science.adi1885
- Scranton, R. (2015). *Learning to Die in the Anthropocene: Reflections on the End of a Civilization*. San Francisco, CA: City Lights Publishers.
- Sepehrī, Sohrāb (1389). *Hasht Ketāb*. Isfahān: Entesharat-e Goftemān-e Andishe-ye Mo’aser.
- Shāmīsā, S. (1391). *Sabk-shenāsī-ye Sher*. Tehran: Nashr-e Mitrā.
- Shelley, P. B., & Brett-Smith, H. (1910). *A Defence of Poetry*. Portland, ME: Thomas B. Mosher.
- Tāvūsī, S. (1400). *Andūh-e Khāk: Muḥīt-zīst dar Sher-e Mo’āṣer-e Irān*. Tehran: Aftābgardān.
- Torres-Romero, E. J., Nijman, V., Fernández, D., & Eppley, T. M. (2023). “Human-modified Landscapes Driving the Global Primate Extinction Crisis.” *Global Change Biology*, 29: 20, pp. 5775-5787. DOI: 10.1111/gcb.16857
- Troster, L. (2013). “What is Eco-theology?” *Cross Currents*, 63: 4, pp. 380-385. DOI: 10.1111/cros.12032
- Tsing, A. L. (2015). *The Mushroom at the End of the World: On the Possibility of life in Capitalist Ruins*. Princeton, NJ: Princeton University Press.

The Nature and the Sacred in the Poetry of Sohrāb Sepehrī: Possibilities for a Sustainable Relationship between Iranians and the Environment

Abdolrasol Shakeri¹, Majid Ramezani Mehrian²

Human activities, particularly since the latter half of the eighteenth century, have had profoundly detrimental effects on the Earth. The increase in carbon dioxide concentration in the atmosphere, the desiccation of numerous wetlands and rivers, and the extinction of many wildlife species are consequences of a trend that, if continued, will result in nothing less than the complete destruction of the biosphere. The environmental situation in Iran is also concerning, as the country faces multiple issues, including pollution of surface and groundwater, the drying up of wetlands, lakes, and rivers; the depletion of groundwater resources; air pollution; a decline in biodiversity; an increase in the frequency and severity of floods and droughts; land subsidence; soil erosion; and a reduction in forest cover. In response to the current state of environmental issues and crises in the country, it is possible to leverage the rich cultural heritage of Persian poetry and literature to enhance public awareness of environmental conditions, foster environmental sensitivity, strengthen conservation culture, and improve environmental ethics. This can initially be achieved by identifying the ecological themes present in Iranian poetry and literature and subsequently promoting and reinforcing them in contemporary literature. Accordingly, this article outlines the theoretical foundations of environmental literature and poetry, critiques eco-criticism, and emphasizes

1. Assistant Professor of Persian Literature, The Institute for Research and Development in the Humanities (SAMT), Tehran, Iran. shakeri@samt.ac.ir
2. Environmental studies department, the Institute for Research and Development in the Humanities (SAMR). mehrian@samt.ac.ir

How to cite this article:

Abdolrasol Shakeri, Majid Ramezani Mehrian. "The Nature and the Sacred in the Poetry of Sohrāb Sepehrī: Possibilities for a Sustainable Relationship between Iranians and the Environment". *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts and Humanities*, 5, 2, 2025, 195-212. doi: 10.22077/islsh.2025.8750.1582



Copyright: © 2025 by the authors. Licensee Journal of *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts & Humanities*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

its significance in the current context of the country. Additionally, we explore the relationship between nature and the sacred in the poetry of Sohrab Sepehri, proposing how his works and Persian poetry can influence audiences regarding environmental matters.

Keywords: Environment, Environmental Literature, Environmental Poetry, The Sacred, Sohrab Sepehri

How to cite this article:

Abdolrasol Shakeri, Majid Ramezani Mehrian. "The Nature and the Sacred in the Poetry of Sohrāb Sepehrī: Possibilities for a Sustainable Relationship between Iranians and the Environment". *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts and Humanities*, 5, 2, 2025, 195-212. doi: 10.22077/islsh.2025.8750.1582



Copyright: © 2025 by the authors. Licensee Journal of *Interdisciplinary Studies of Literature, Arts & Humanities*. This article is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).